



ویژه نامه ورودی های ۱۴۰۳

مدیریت : علم، هنر، حرفه!

با مهارت مدیر شو!

پاسخ سوالاتان پیش خودتان است!

کاری مهم تر از درس خواندن نیست!

دلنوشته همراه با چاشنی توصیه!



شنا سنا مه

صاحب امتیاز : انجمن علمی مدیریت دانشگاه اصفهان



مدیر مسئول : فاطمه اشرفیان فر



سر دبیر : محمد جواد تسلیمی



اعضای هیئت تحریریه : محمد متین سیجانی سهیل شادی زهرا صافی



علی کلاهدوز پرچهر جمشیدیان علیرضا استیری حسین جعفری



صفحه آرا : آرمیتا زهرایی



ویراستار : مهدیه عزیزی یاسمین مجیدی نژاد



موج سواری که یه تخته‌ش کمه!

سلام و درود بر شما دوست من و یا شاید کارآفرین، مدیر یا تاجر آینده.

به دنیای مدیریت خوش اومدی!

دوستان ما در هیئت تحریریه به فن و تخصص و چیزایی که باید در این چهار سال دنبال می‌کنید، پرداختند.

اما من می‌خوام یکم صحبت رو دلی کنم...

قبل از همه بگم هر چیز که در این ویژه نامه می‌خوانید یا می‌بینید به دلایل خاصی اینجا هست.

دلیل به وجود اومدن این منظومه نوشتاری هم کسی نیست جز خود شما، بله دقیقا شمایی که دارید این متن رو می‌خوانید.

شما بودید که این موج رو راه انداختید و خب قراره در این ویژه نامه یکم موج سواری کنیم.

این ویژه نامه مثل کتابچه موج سواریه، توش بهتون گفتیم که اصلا موج چیه، چه موج‌هایی خطرناک هستند و روی چه موج‌هایی می‌تونید سوار بشید.

شاید بگی پس تخته موج سواری چی؟

باید بهت بگم که تخته‌شو بعد می‌خری فعلا تئوریا رو یاد بگیر...!

آره درست حدس زدی، دانشگاه مثل همین داستان یاد گرفتن موج سواریه که برات تعریف کردم. اینجا پر از تئوریه؛

مخصوصا توی دنیای مدیریت اما قرار نیست موج سواری بهت یاد بدن، باید خودت یادش بگیری.

تا وقتی که هر جوری هست یه تخته جور نکنی و خودتو تو آب نندازی (ریسک نکنی) و منتظر یک موج (فرصت) خوب نمونی و دلت رو به دریا نزنی هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیری.

موج سواری (دنیای مدیریت) پر از تئوریه، اگه بتونی حین یاد گرفتن این تئوری‌ها، یه تخته جور کنی یا حتی بسازی (شروع

کردن بیزینس خودت) و کم کم تمرین کنی؛ اون تئوری‌ها هم بهتر تو ذهنت جا میوفته. و اون موقع هست که می‌تونی

حتی یه سبک موج سواری برای خودت درست کنی (شیوه مدیریتی خودت).

چیزی که برای یک موج سوار (دانشجو مدیریت) خیلی مهمه اینه که با موج سوارهای کار بلد (بچه‌های ترم بالاتری

زرنگ) ارتباط بگیره، ببینه اونا چیکار کردن یا اگر خوبه ازشون الگو بگیره... (این شبکه سازی بعدا به دردت میخوره به

حرفم گوش کن!)

یا یه کاری که میتونی بکنی اینه که در انجمن موج سوارها (انجمن علمی) عضو بشی یا کلا فعالیت‌هایی که به موج

سواری مربوط میشه (فعالیت‌های دانشجویی) اینا هم برات رزومه میشه هم تجربه به دست میاری، یعنی در کنار

تئوری که بهت یاد میدن خودت تجربه رو هم کسب می‌کنی و وقتی خواستی عضو یه باشگاه موج سواری

بشی مجموعه این کارها خیلی بهت کمک می‌کنه و باعث موفقیتت می‌شه.

خلاصه که تو پاتو بذار تو دریا، موج خودش میاد یا به قول عطار تو پای به ره در نه و از هیچ

مپرس... خود راه بگویدت که چون باید رفت....

دلنوشته با چاشنی توصیه

تقریباً همه‌مون از بچگی رویای دانشگاه رفتن رو در سر داشتیم؛ اینکه قراره چه رشته‌ای بخونیم و در آینده چه کاره بشیم. حالا چند سال از اون روزا گذشته و شماها حداقل ۱۸ سالتونه و دارین این حرفا رو می‌خونین. قراره چهار سال از بهترین روزای جوونیتون رو در یکی از قشنگ‌ترین دانشگاه‌های ایران و با کلی کوه‌پیمایی بگذرونید.

من که فارغ‌التحصیل شدم، می‌خوام چندتا حرف یواشکی بهتون بزنم. امیدوارم این حرفا یه کم دلگرمتون کنه و استرستون رو کمتر.

در طول ترم درس خوندن رو کامل کنار نذارید و ببینید با چه مقدار درس خوندن، بهترین نتیجه رو می‌گیرید. پروژه‌هایی که استاد میدن رو جدی بگیرید و براش وقت بذارید؛ از استاداتون هم بخواین که نرم‌افزارهای مرتبط با درس رو بهتون یاد بدن. اینم یادتون باشه که فقط به کتابا و حرفای استاد اکتفا نکنید؛ باید مطالعه‌تون از اینا فراتر باشه. خلاصه اگه می‌خواید زندگی‌تون با ۸۰ درصد مردم فرق کنه، باید بیشتر تلاش کنید.

اینو هم از سرتون بیرون کنید که اگه الان دانشگاه برندی مثل اصفهان قبول شدید، دیگه تمومه و بعد فارغ‌التحصیلی بهترین جا استخدام می‌شید. نه، این‌طور نیست؛ این شما هستید که باید خودتون رو به جایی برسونید، نه دانشگاه. این ۴ سال بهترین فرصت واسه آزمون و خطاست، سعی کنین ارزش درست استفاده کنید، چون نتیجه‌اش قراره بعد فارغ‌التحصیلی در زندگی‌تون تاثیر بذاره.

منفعل نباشید! یعنی حواستون باشه در مثلث برمودای سلف-خوابگاه-کلاس گیر نیوفتید. در کلاس‌های ورزشی شرکت کنید، به کانون‌های فرهنگی سر بزنید، در تشکله‌ها حضور داشته باشید و از نشست‌های علمی و اجتماعی هم غافل نشید.

در رشته مدیریت شما با ۶ گروه درس سر و کار دارین و همین باعث می‌شه همیشه فرصت شغلی تو زمینه‌های مختلف داشته باشید. بهترین کار اینه که از تابستون بعد از ترم دوم، دنبال کارآموزی تو بخش‌های مختلف مدیریت باشید، مخصوصاً تو شرکت‌هایی که دنبال کارآموز هستن.

فایده این کار اینه که اولاً، بیشتر با علایق خودتون آشنا می‌شید؛ اینکه چه کاری رو دوست دارید، چه جوری می‌خوان در آمد داشته باشید یا دلتون می‌خواد کجا استخدام بشید. دوماً، دانشگاه به تنهایی نمی‌تونه از شما یه نیروی کار حرفه‌ای بسازه؛ شما علاوه بر علم دانشگاهی، به مهارت‌های عملی هم نیاز دارید. این ترکیب علم و مهارت‌ه که موفقیت رو براتون به ارمغان میاره.

خیلی هم به خودتون سخت نگیرید. یه هدف مشخص واسه خودتون تعیین کنین و برای رسیدن بهش تو یه مسیر مشخص تلاش کنید، ولی اگه یه جاهایی اوضاع خوب نبود، ناامید نشید؛ هنوز کلی وقت دارید.

به نام خداوند مدیر و مدبر

دوستان عزیزم سلام!

امیدوارم حالتون خوب باشه!

ورود به دنیای مدیریت رو تبریک می‌گم و خیلی خوشحالم از اینکه تک تک شما عزیزان رو در یکی از خاص‌ترین و جذاب‌ترین رشته‌های دانشگاه می‌بینم.

قصد دارم در این نوشتار راجع به رشته مدیریت صحبت کنم، اینکه اصلاً مدیریت چیه؟ به چه دردی می‌خوره؟ کجا کاربرد داره و چطور باید در اون موفق بود؟

اجازه بدید صحبت‌م رو با نحوه آشنایی خودم با رشته مدیریت بازرگانی شروع کنم.

من در دوران دبیرستان یک دفترچه داشتم و تمام نکات مثبتی که دلم می‌خواست رشته و حرفه آینده‌م داشته باشه رو در اون نوشته بودم. مواردی که در این دفترچه نوشته بودم، همه مواردی بودند که در طی زمان با شناختی که از شخصیت و علاقم پیدا کرده بودم تکمیل شده بود.

روزی که بعد از اعلام نتایج اولیه کنکور به مشاور مراجعه کردم، بدون کوچک‌ترین مقدمه‌ای دفترچه رو به مشاور دادم و گفتم: "سلام، من رشته‌ای می‌خوام که این ویژگی‌ها رو داشته باشه." مشاور دفترچه رو باز کرد و دونه دونه موارد رو خوند؛ رشته‌ای که هم علمی هم عملی باشه، با آدم‌ها ارتباط داشته باشه، محیط کاری پویا و فعالی داشته باشه، با پرستیژ و حرفه‌ای باشه، خلاقانه و نیازمند تفکر باشه و... .

بعد از آن مشاور دفترچه من رو کناری گذاشت، دفترچه انتخاب رشته رو باز کرد و دستش رو روی عنوان رشته "مدیریت بازرگانی" گذاشت.

همون‌جا بود که فهمیدم رشته مدیریت بازرگانی همون گمشده‌ای است که من در دنیای دانشگاه و کسب و کار به دنبال آن هستم.

مدیریت چیست؟

برای تعریف رشته مدیریت بهتره به تعریف پیتر دراکر، یکی از مشهورترین اساتید مدیریت مراجعه کنیم: مدیریت علم، هنر و حرفه است.

علم (Science):

وقتی فردریک تیلور برای اولین بار اصول مدیریت علمی را مطرح کرد، به جهان نشان داد که مدیریت صرفاً یک کار عملی نیست و باید بر اساس اصول علمی اجرا شود. مدیریت یک سری اصول و نظریه‌های مشخصی داره که از طریق تحقیق و مطالعه به دست اومدند. این اصول قابل اندازه‌گیری و آزمایش هستند و می‌تونیم به عنوان پایه و اساسی برای تصمیم‌گیری از اون‌ها استفاده کنیم. گرایش‌های مختلف مدیریت که در دانشگاه تدریس می‌شوند بیشتر بر این قسمت تاکید می‌کنند.

هنر (Art):

به قول یکی از بزرگان، مدیریت کردن مثل یک تابلوی نقاشی است. مدیریت مثل هر هنر دیگه‌ای نیازمند خلاقیت، قضاوت و مهارت‌های بین فردی است که برای هر موقعیت منحصر به فرد است. هر موقعیت مدیریتی، پیچیدگی‌ها و چالش‌های خاص خودش رو داره و مدیر باید بتونه با استفاده از قوه تخیل و تجربه، راه حل‌های نوآورانه ارائه بده. هنر مدیریت معمولاً در ذکاوت فرد و تجربه اوست و گاهی افرادی که چندان آگاهی از علم مدیریت ندارند، به خوبی هنر مدیریت را اجرا می‌کنند.

حرفه (Profession):

مدیریت یک حرفه است چون لازمه ترکیبی از دانش تخصصی، مهارت‌های عملی و تعهد به اخلاق حرفه‌ای رو برای مدیر خوب شدن در نظر داشته باشیم. مدیران مسئولیت‌های بسیار مهمی دارند و برخلاف بقیه انسان‌ها، تصمیم آن‌ها فقط به زندگی خودشان محدود نمی‌شود؛ بلکه بر زندگی سایر افراد و موفقیت سازمان تأثیر می‌دارد؛ بنابراین حتما در نظر بگیریم که مدیریت یک حوزه چند بعدی است و برای موفقیت در آن، نیاز به ترکیبی از دانش، مهارت و تجربه داریم. هدف از رشته مدیریت، افزایش مهارت و توانایی دانشجویان در شناخت مسائل مدیریتی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به هر یک از این مسائل، ارزیابی راه‌حل‌های مختلف در مورد هر مسئله و تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات است.

به عنوان دانشجوی رشته مدیریت، شما می‌تونید با یادگیری نظریه‌های نوین مدیریت، به عنوان تحلیل‌گر تخصصی مسائل مدیریتی به اداره موفقیت‌آمیز سازمان‌ها کمک کنید. به عبارتی تفاوت شما با کسی که این رشته رو نخوانده در نگاه علمی شما به مدیریت هست.

در مدیریت صنعتی، به عنوان یک رشته کارشناسی از گرایش‌های مدیریت روی استفاده کارآمد و مؤثر از منابع در سازمان‌ها، مخصوصاً در محیط‌های تولیدی تمرکز می‌شود. این شامل فرآیندهایی که ورودی‌ها (مثل مواد، نیروی کار و تجهیزات) رو به خروجی (مانند محصولات یا خدمات) تبدیل می‌کنند. چون حوزه کاری شما به سمت صنعت و تولید متمایل می‌شود، بیشتر افرادی که با آن‌ها در ارتباط هستید و شباهت شغلی دارید مهندسان و صاحبان صنایع خواهند بود. از نظر تفاوت رشته دانشگاهی، واحدهای گرایش بازرگانی و صنعتی خیلی به هم شبیه هستند و فقط در چند درس تخصصی با هم متفاوتند؛ تفاوت اصلی بیشتر در مقاطع بالاتر و ورود به بازار کار مشخص می‌شود.

مصاحبه

با جناب آقای دکتر صفری

۱- در یک دید کلی، رشته مدیریت را چگونه توصیف می‌کنید؟

رشته مدیریت، دانشی است که به بررسی نحوه اداره سازمان‌ها می‌پردازد؛ یعنی برای اداره یک سازمان به علم مدیریت نیاز داریم. سازمان‌ها انواع مختلفی دارند:

سازمان‌ها می‌توانند کوچک، متوسط یا بزرگ باشند. می‌توانند دولتی یا غیردولتی باشند. می‌توانند صنعتی یا خدماتی باشند.

با توجه به انواع سازمان‌ها، رشته مدیریت بررسی می‌کند که چگونه می‌توان عوامل هر سازمان را با چه مکانیزمی اداره کرد تا سازمان توسعه یابد و به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابد و در نهایت باعث رشد اقتصادی جامعه شود. هر سازمان چهار عامل اصلی دارد:

۱. منابع مالی

۲. بخش تولید

۳. بخش مشتریان

۴. منابع انسانی

۳- آینده شغلی رشته مدیریت به چه صورت است؟

با توجه به اینکه اقتصاد ما به سمت خصوصی‌سازی پیش می‌رود و نظام جامعه بر ایجاد سازمان‌های خصوصی و کاهش سازمان‌های دولتی تأکید دارد، بازار کار برای فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت بسیار روشن است. چه در زمینه کارآفرینی و ایجاد سازمان‌های جدید و چه در زمینه کار در سازمان‌های موجود.

۲- به نظر شما دانشجویان مدیریت با چه چالش‌هایی روبرو هستند؟

یکی از چالش‌های اصلی که دانشجویان رشته مدیریت با آن مواجه هستند، سطح زبان آن‌هاست. مدیریت یک رشته وارداتی است، یعنی دانشی است که از خارج وارد شده و ما نقشی در ساخت آن نداشته‌ایم. اگر صحبت از علومی مانند پزشکی، نجوم، شیمی و ریاضیات بود، می‌توانستیم بگوییم که در توسعه آن‌ها نقش داشته‌ایم. اما درباره علوم جدیدی مانند مدیریت، حسابداری و اقتصاد که توسعه آن‌ها به ۱۰۰ سال گذشته برمی‌گردد، ما بیشتر مصرف‌کننده این دانش‌ها هستیم. بنابراین، یادگیری زبان می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا از منابع اصلی استفاده کنند و نه از نسخه‌های ترجمه شده.

یکی دیگر از چالش‌های دانشجویان مدیریت، مهارت‌های کامپیوتری است؛ از مهارت‌های ابتدایی مانند ICDL تا نرم افزارهای پیشرفته مرتبط با مدیریت و آمار.

چالش دیگر این است که بسیاری از دانشجویان فقط به دروس دانشگاهی اکتفا می‌کنند، درحالی‌که باید ارتباط قوی و موثری با اتاق بازرگانی و افراد فعال در صنعت برقرار کنند تا از تجربیات آن‌ها بهره‌مند شوند و به دانش‌های متنوع‌تری دست یابند.

۴- تا چه میزان مطالبی که دانشجویان در این رشته در دانشگاه یاد می‌گیرند در صنعت نیز قابل استفاده است و نیاز کسب و کارها را پوشش می‌دهد؟

در حال حاضر، به نظر می‌رسد دانشگاه‌های ما در برخی موارد از صنعت پیشی گرفته‌اند؛ یعنی مطالبی که در دانشگاه تدریس می‌شود، هنوز در صنعت به‌طور کامل اجرایی نشده یا حتی بستری برای اجرای آن فراهم نیست. با این حال، خوشبختانه این فاصله روزبه‌روز در حال کاهش است و در آینده مطالب آموخته‌شده در دانشگاه کاربرد بیشتری در صنعت پیدا خواهند کرد.

۶- توصیه شما به جدید الورود ها چیست؟

توصیه می‌کنم دانشجویان با عشق و علاقه به این رشته بپردازند و آینده روشنی برای خود متصور شوند. باید از تمامی لحظات دانشگاه به بهترین شکل استفاده کنند، چرا که این لحظات زودگذرند و پایان تحصیلات به سرعت فرا می‌رسد.

۵- با سه کلمه یا عبارت کوتاه، یک دانشجو و استاد خوب را توصیف کنید.

یک دانشجوی خوب رشته مدیریت کسی است که منظم، وظیفه‌شناس و علاقه‌مند به توسعه فردی باشد. او باید هر روز به دنبال یادگیری مستمر مطالب جدید باشد.

یک استاد خوب کسی است که وجدان کاری دارد، در ارائه مطالب کم فروشی نمی‌کند و به نیازها و دغدغه‌های دانشجویان اهمیت می‌دهد و برای رفع آنها تلاش می‌کند.

۷- لطفا چند نمونه از دانشجویهای قبلی خودتان که الان جایگاه علمی و شغلی مناسبی دارند مثال بزنید.

دانشجویان زیادی از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند که اکنون در مقاطع ارشد و دکتری و در جایگاه‌های علمی و اجرایی معتبر چه در داخل و چه خارج از کشور قرار دارند. به عنوان مثال:

خانم امینی که اکنون استاد دانشگاه در هلند هستند.

خانم قاسم‌آقایی که عضو هیئت علمی در کانادا هستند.

آقای شریف شکرچی‌زاده که دکتری خود را در آمریکا گذرانده و در یک شرکت معتبر مشغول به کار است.

این نمونه‌ها تنها بخشی از موفقیت‌هایی است که دانشجویان ما به آن دست یافته‌اند.



چرا و چگونه مدیریت بخوانم؟

معمولا هر کس از انتخاب رشته دانشگاهی یک هدف خاصی رو دنبال می‌کنه، یک نفر می‌خواد تا مقطع دکتری و حتی پسا دکتری ادامه تحصیل بده و کار پژوهشی و تحقیقاتی انجام بده، یک نفر می‌خواد بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی وارد بازار کار بشه، یک نفر هم تمایل داره برای ادامه تحصیل به خارج از کشور مهاجرت کنه. خبر خوبی که براتون دارم اینه که معمولا رشته‌های مدیریت می‌تونند برای هر سه گروه مفید باشند. در واقع انتخاب رشته مدیریت معمولا یک انتخاب رضایت‌بخش برای دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته بوده. طبق گزارش سازمان‌های معتبر، فارغ التحصیلان مدیریت از نظر رضایت از تحصیل و مدرک، توانایی پیدا کردن شغل مرتبط و حقوق کافی در سطح بالایی قرار داشته‌اند. (برای نمونه می‌تونید به گزارش جاب ویژن برای سنجش رضایت رشته‌های مختلف در سال ۱۴۰۳ مراجعه کنید.) یکی دیگر از مزایای مدیریت این است که گستره وسیعی از مطالب و موضوعات رو داره، چه از نظر پژوهشی و علمی، چه از نظر کار و صنعت شما موقعیت‌های زیادی رو پیش روی خودتون دارید. بنابراین برای شخصیت‌های مختلف گزینه‌های مختلفی رو ارائه می‌دهد.

چطور در رشته مدیریت موفق باشیم؟

اگه قصد دارید در این رشته موفق باشید چندتا نکته دیگه رو هم مد نظر داشته باشید:

۱- حتماً با استاد همراه باشید و سعی کنید از استاد عقب نیفتید، اکثر درس‌های این رشته رو صرفاً با توجه کردن به کلاس و همراهی با استاد می‌تونید تا حد خیلی خوبی یاد بگیرید. درس هر روز رو همون روز یک نگاه کلی بندازید و هیچ وقت اجازه ندید مطالب و مشکلات روی هم انبار بشوند.

۲- گاهی اوقات ممکنه دروس محاسباتی برای شما سخت و ترسناک به نظر برسند، اصلاً نگران نباشید، حرفه‌ای شدن در دروس محاسباتی خیلی ساده‌تر از چیزی فکر می‌کنید است. برای اینکه مطمئن بشوید مطالب کلاس رو درک کرده‌اید، حتماً با استاد ارتباط داشته باشید و هیچ وقت از سوال پرسیدن خجالت نکشید. از منابع مختلف مثل اینترنت، کتاب‌های جانبی و دوستان خودتون کمک بگیرید. دروس محاسباتی نیازمند تمرین خیلی زیاد هستند، تمرین فراوان رو فراموش نکنید.

۳- اگه واقعا قصد دارید که از تحصیل در رشته مدیریت بهره ببرید و این ۴-۵ سال زندگیتون هدر نره، حتماً مطالعه مقالات و کتاب‌های مدیریت رو مد نظر قرار بدید. کتاب‌های درسی می‌تونند منابع خیلی خوبی باشند اما فقط بخشی از علم مدیریت هستند. حتماً مطالب مختلف رو از منابع گوناگون جستجو کنید و عمیق‌تر در موردشون مطالعه کنید.

۴- در طول دوره تحصیل، علاوه بر واحد کارآموزی و کارورزی که در چارت درسیتون تعریف شده، حتماً تلاش کنید تا در موقعیت شغلی مرتبط با رشته خودتون مشغول به فعالیت و کارآموزی بشید. این کار در یادگیری بهتر دروس هم بهتون کمک می‌کنه.

پاسخ سوالاتان پیش خودتان است!

عمده احساسات همه ما توی این دوره جموعه‌ای از نگرانی‌ها، امیدها و دغدغه‌ها مونه. بزرگترین نگرانی، ابهام آینده است.

خیلی طبیعیه که سوالات زیادی دست از سر ذهن ما بر نداره مثل: آینده چی میشه؟ به رشته خودم علاقه دارم یا تغییر رشته بدم؟ با معدل خوب می‌تونم فارغ التحصیل بشم یا باید سال‌ها درگیر چند واحد بشم؟ به فکر ادامه تحصیل باشم یا کار؟ در ایران بمونم یا مهاجرت کنم؟ خدمت سربازی چی میشه؟ و...؟

گاهی این سوالات، آرامش فکری رو از شما می‌گیره و دیگه قادر به تصمیم‌گیری نیستید. گاهی ممکنه برای خلاص کردن خودتون از شر این سوالات تصمیمات غیرمنطقی بر اساس شنیده‌ها و مشورت با افراد تصادفی و ناآگاه بگیرید. هر کدام از این سوالات جای بحث زیادی داره که منجر به خودشناسی پرسشگر برای انتخاب بهترین تصمیم با توجه به شرایط خودش بشه.

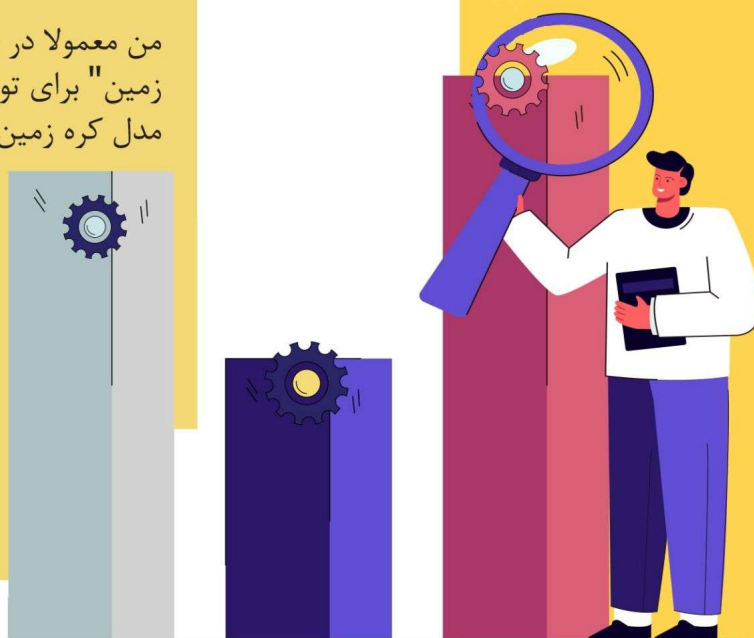
من قصد ندارم توی این متن در مورد این سوالات پاسخی بدم. فقط می‌خوام تجربه خودم رو بگم. من و هم دوره‌ای‌هام در مقطع کارشناسی روزی این دغدغه و سوالات رو با هم داشتیم. هر کدام از اون‌ها با توجه به مسیری که در دوران تحصیلشون پیش رفتند به مقصدهای متفاوتی رسیدند. دلیل موفقیت هر کدام از اون‌ها در هر جایگاهی، استعداد و پشتکارشون بوده. موفقیت برای هیچ‌کدوم از ما از پیش ساخته نشده است؛ انتخاب‌هاتون و زحمتی که برای پیمودن مسیرتون می‌کشید پاسخیه که به سوالاتون می‌دید.

به نام یگانه هستی بخش!

قصد دارم در مورد مهارت‌های مدیریت و اینکه یک مدیر خوب برای موفقیت در کارش به چه مهارت‌هایی نیاز دارد صحبت کنم، بدون مقدمه شروع می‌کنم:

من معمولاً در تدریس و مشاوره مدیریت از مدل "سه لایه‌ای کره زمین" برای توصیف مهارت‌های مورد نیاز مدیران استفاده می‌کنم. مدل کره زمین، با استفاده از یک منطق سه لایه‌ای، سه سطح از مهارت‌هایی که در موفقیت مدیران حائز اهمیت است رو نمایش می‌ده. این لایه‌ها شامل پوسته به عنوان لایه بیرونی، گوشته به عنوان لایه میانی و هسته به عنوان لایه درونی هستند. من پوسته رو مهارت‌های سخت، گوشته رو مهارت‌های نرم و هسته رو مهارت‌های بنیادی نام گذاری می‌کنم.

با مهارت مدیر شو



مهارت‌های سخت در مدیریت

مهارت های سخت

مهارت‌های سخت (Hard skills):

این دسته از مهارت‌ها اصطلاحاً ویتترین کاری شما هستند. مهارت‌های سخت، دانش فنی و توانایی‌هایی هستند که می‌تونیم اون‌ها رو اندازه‌گیری و کمی کنیم؛ معمولاً از طریق تمرین یا آموزش رسمی به دست می‌آیند. مهارت‌های سخت معمولاً نیازمند مدت کوتاه‌تری برای حرفه‌ای شدن هستند و طی دوره‌های آموزشی (معمولاً بین چند ماه تا یکی دو سال) می‌تونید اون‌ها رو در سطح عالی یاد بگیرید. بعضاً برای آزمون‌های استخدامی سنجش این مهارت‌ها ملاک است.

۱- **زبان خارجی** (تسلط به زبان انگلیسی و آشنایی کامل با حداقل یک زبان غیرانگلیسی)

۲- **نرم افزارهای مرتبط و سواد دیجیتال** (نرم افزارهای مربوط به سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت، نرم افزارهای مالی و حسابداری، نرم افزارهای مدیریت پروژه و هوش مصنوعی)

۳- **آشنایی با مدلسازی و شبیه‌سازی** (طراحی مدل‌های مختلف کسب و کار مانند کانواس یا طرح کسب و کار یک صفحه‌ای و توانایی نمایش کسب و کار در سطح یک مدل)

۴- **تحلیل کسب و کار داده محور** (توانایی استخراج داده‌های مختلف یک کسب و کار و توانایی معنابخشی به داده‌ها)

۵- **سواد مالی** (توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، درک استراتژی‌های سرمایه‌گذاری، توان تشخیص خطاها و اصلاح آن‌ها)

۶- **سواد حقوقی و قانونی** (آشنایی با قوانینی مانند قانون مدنی، قانون تجارت، حقوق تجارت بین الملل)

مهارت های نرم

مهارت های نرم (Soft skills): مهارت

های نرم رو نمی شه با معیار خاصی اندازه گیری کرد یا در یک بازه زمانی مشخص به طور حرفه ای یاد گرفت. معمولاً مهارت های نرم دائماً در طول زمان بر اثر تمرین و تکرار تقویت می شوند و نکته مهم در اون ها میزان تجربه فرد در آن مهارت است. این مهارت ها اگه به درستی در توسعه فردی مورد توجه قرار بگیرند، به نسبت مهارت های سخت تمایز بالاتری را برای فرد ایجاد می کنند.

۱- **ارتباطات** (توانایی برقراری ارتباط موثر با دیگران، ارسال و دریافت پیام به صورت صحیح، درک صحبت همکاران یا مافوق در محل کار و درک خواسته ها و بیانات مشتری)

۲- **کار تیمی** (توانایی ایفای نقش به طور موثر در تیم، درک اصول، بازیکن تیمی ایده آل بودن و عدم خودمحوری، توان حل تعارض)

۳- **حل مسئله** (توانایی درک مشکل و ریشه یابی مسئله، راه حل یابی و برنامه ریزی برای اجرای (صحیح) راه حل)

۴- **انعطاف پذیری و تطبیق با شرایط پیچیده** (درک این موضوع که جهان مدیریت همیشه پر از پستی و بلندی است و خیلی وقت ها شما باید در مسیری قدم بگذارید که فقط چند متر جلوتر رو می توانید ببینید)

۵- **رهبری** (داشتن هوش هیجانی بالا، درک انسان ها و روابط آن ها، توانایی تاثیرگذاری بر انسان ها و حرکت به سوی چشم انداز)

مهارت های بنیادی

مهارت های بنیادی

(Fundamental skills):

این دسته از مهارت ها معمولاً در قالب مهارت های مدیریت طبقه بندی نمی شوند بلکه مهارت هایی هستند که هر انسانی در هر جایگاه و شرایطی برای یک زندگی خوب به اون ها نیاز داره، این مهارت ها وجودشان حیاتی و لازم است و در واقع می شه گفت اگه شخصی این مهارت ها رو نداشته باشه، مهارت های سطوح بالاتر به کل بی معنی می شوند. البته برخی مهارت ها مانند ارتباطات رو می شه هم به عنوان مهارت نرم هم به عنوان مهارت بنیادی در نظر گرفت، منظور از ارتباطات در مهارت های نرم جنبه مدیریتی و سازمانی آن است.

۱- **تفکر** (مهارت تفکر خلاق، تفکر نقاد، تفکر سیستمی و در نهایت تفکر استراتژیک)

۲- **تصمیم گیری** (توانایی جمع آوری داده ها، تحلیل آن ها و نتیجه گیری صحیح برای انتخاب مسیر)

۳- **اعتماد به نفس** (داشتن عزت نفس و درک مهارت های خودتون و سنجش واقعی شخصیت، نه ضعف و نه غرور)

۴- **یادگیری و تمایل به توسعه فردی** (میل به مطالعه، شناخت دنیای پیرامون و بهبود شخصی)

۵- **نظم و انضباط شخصی** (منظم بودن زندگی فرد در سطح فیزیکی، ذهنی-شخصیتی، انضباط (enilpicsiD) شخصی و کاری)

۶- **مدیریت احساسات و هیجانات** (کنترل استرس، خشم، شغف و خوشحالی و ...)

۷- **مدیریت زمان** (مهارت مدیریت موثر زمان در اختیار، اولویت بندی وظایف، رعایت ضرب الاجل ها)

مسیر مدیریت را ادامه دهیم؟

پس از اتمام تحصیل شما در مقطع کارشناسی مدیریت، دو راه اصلی پیش روی شما وجود دارد:

۱) ورود به بازار کار

بعضی از دانش آموختگان مدیریت تصمیم دارند بعد از فارغ التحصیلی بلافاصله وارد بازار کار بشوند. برخی از مشاغل مربوط به گرایش بازرگانی عبارتند از: مشاغل مرتبط با بازاریابی در سطوح مختلف از بازاریاب تا مدیر بازاریابی، فعالیت در بخش برند یا تحقیقات بازار شرکت‌ها، واحد فروش سازمان‌ها، فعالیت به عنوان کارشناس یا مشاور استراتژی در سازمان، فعالیت در حوزه بازرگانی بین الملل (صادرات و واردات کالا)، فعالیت در حوزه بیمه، تجارت الکترونیک، امور مالی و بانکداری. برخی موقعیت‌های شغلی مدیریت صنعتی هم شامل مدیریت و برنامه‌ریزی تولید، حفاظت فنی، کنترل کیفیت کالا، نگهداری و تعمیرات، مدیریت عملیات، مدیر پروژه، مدیریت عملکرد و بهره‌وری و مشاور صنعتی است. برای این دسته از عزیزان معمولاً سه شاخه برای ورود به بازار و صنعت مطرح می‌شود.

۱-۱) استخدام در نهادهای و سازمان‌های دولتی:

به عنوان فارغ التحصیلان این رشته، با تسلط به مباحث مربوط به علم مدیریت، زمینه لازم برای استخدام شما در واحدهای بازرگانی یا صنعتی سازمان‌ها فراهم است. فارغ التحصیلان این رشته به خوبی می‌توانند در سطح مدیران اجرایی در سازمان‌های دولتی مختلف مشغول به کار بشوند و یا در سمت مشاور مدیریت فعالیت خودشان رو ادامه بدهند.

۲-۱) شروع به فعالیت در سازمان‌های خصوصی:

در صورتی که شخصیت شما مناسب کار در سازمان‌های دولتی نباشد، می‌توانید از طریق آگهی‌های استخدامی به دنبال کار در سازمان‌های خصوصی معتبر باشید. با توجه به مهارت‌های خودتون در بخش‌های مختلف سازمان می‌تونید مشغول به کار بشید. تقریباً اکثر واحدهای سازمان (بازاریابی، خرید، فروش، استراتژی، تحقیق و توسعه، منابع انسانی، تولید، پروژه و کنترل کیفیت) موقعیت‌های مناسبی برای فارغ التحصیلان مدیریت دارند. در سطوح ارشد سازمان، دانش آموختگان مدیریت در صورت داشتن تجربه و احراز صلاحیت، به عنوان هیئت مدیره یا مدیر عامل فعالیت می‌کنند.

۳-۱) راه اندازی کسب و کار جدید و کارآفرینی:

نسبت به سایر گرایش‌های مدیریت، مدیریت بازرگانی تمرکز بیشتری بر کارآفرینی و شروع کسب و کار جدید دارد. اما به طور کلی دانشجویان رشته مدیریت با توجه به شناخت کافی از کسب و کار و نحوه ایجاد تجارت موفق، شانس زیادی برای موفقیت در حیطه کارآفرینی و تشکیل کسب و کار جدید دارند. راه اندازی یک استارت‌آپ و شروع به فعالیت در کسب و کار شخصی از مسیرهای ورود به کسب و کار برای فارغ التحصیلان مدیریت است.

۲) تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی

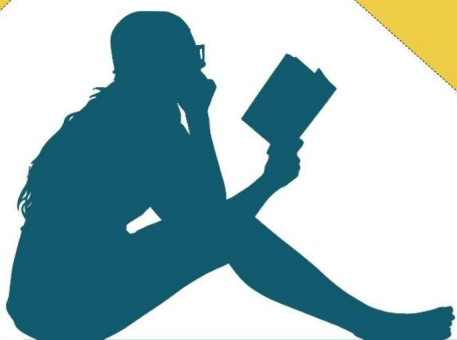
تحصیل در مقاطع ارشد و دکتری برای بعضی از دانشجویان مسیر جالبی برای ادامه رشته مدیریت است. بعضی از افراد به دلایل مختلف تمایل دارند بعد از اتمام دوره کارشناسی شون، به جای ورود به بازار کار در یکی از گرایش‌های رشته خودشان، یا حتی گرایش‌های رشته دیگر، ادامه تحصیل بدنند. مثلاً ممکنه فردی از کارشناسی بازرگانی برای ارشد گرایش‌های صنعتی اقدام بکند و یا بالعکس. برای همین در این قسمت به توضیح مختصری درباره هر کدام از گرایش‌های این رشته اشاره می‌کنیم.

گرایش‌های رشته مدیریت بازرگانی در مقطع ارشد عبارتند از: ۱- بازاریابی ۲- استراتژیک ۳- بازرگانی بین الملل ۴- بازرگانی داخلی ۵- تجارت الکترونیکی ۶- کارآفرینی

۱- بازاریابی: گرایش بازاریابی یکی از قدیمی‌ترین گرایش‌های رشته مدیریت بازرگانی است و سال‌هاست که در دانشگاه‌های معتبر کشور توسط اساتید مطرح تدریس می‌شه. این گرایش موضوعاتی مثل درک عمیق رفتار مصرف‌کننده، تحقیقات بازار، توسعه محصول، تبلیغات، فروش و مدیریت برند را مورد بررسی قرار می‌ده. هدف اصلی در این گرایش، ایجاد ارزش برای مشتری و افزایش سهم بازار است. این گرایش بیشتر برای افرادی مناسبه که علاقه‌مند به برقراری ارتباط با مشتری، ایجاد کمپین‌های تبلیغاتی موفق و شناخت نیازهای بازار هستند.

۲- استراتژیک: گرایش مدیریت استراتژیک به عنوان گرایش مقطع ارشد یک گرایش نوظهور و جدید به حساب میاد، قبل از اون این گرایش با عنوان "سیاست‌گذاری بازرگانی" فقط در مقطع دکتری تدریس می‌شد. این گرایش بررسی فرایند تدوین و اجرای استراتژی‌های بلندمدت سازمان رو مد نظر قرار می‌ده. تحلیل محیط کسب و کار، تدوین استراتژی، مدیریت ریسک، تحلیل رقبا و مدیریت تغییر از مباحث مهم این گرایش است. با توجه به اینکه ریشه مدیریت استراتژیک در علوم نظامی است، طراحی استراتژی برای سازمان رو معادل طرحی برای پیروزی در میدان نبرد تعریف می‌کنند. این گرایش برای افرادی مناسبه که علاقه‌مند به برنامه‌ریزی بلندمدت، تحلیل محیط کسب و کار و ایجاد چشم‌انداز برای سازمان هستند.

۳- بازرگانی بین الملل: این گرایش به موضوعاتی مثل تجارت بین کشورها، صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری خارجی و مسائل فرهنگی در تجارت بین‌الملل اهمیت می‌ده. هدف اصلی در این گرایش، گسترش فعالیت‌های سازمان در بازارهای جهانی است و برای افرادی مناسبه که علاقه‌مند به کار در محیط‌های چند فرهنگی و توسعه بازارهای جهانی هستند.



۴- **بازرگانی داخلی:** گرایش بازرگانی داخلی فرایندهای داخلی سازمان مثل تولید، عملیات، زنجیره تأمین و مدیریت کیفیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی در این گرایش، بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌هاست. این گرایش برای افرادی با قدرت اداری-اجرایی بالا مناسبه که علاقه‌مند به بهینه‌سازی فرایندهای داخلی سازمان و بهبود عملکرد آن هستند.

۵- **تجارت الکترونیک:** این گرایش کاربرد فناوری اطلاعات در کسب و کار رو نشون می‌دهد. هدف اصلی در این گرایش، ایجاد و مدیریت کسب و کارهای آنلاین و بهبود تجربه مشتریان در محیط‌های دیجیتال است. مباحث مهم این رشته شامل فرایندهای تجارت الکترونیک، بازاریابی دیجیتال، تجارت همراه، امنیت اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هاست. این گرایش برای افرادی مناسبه که علاقه‌مند به فناوری اطلاعات، طراحی وب‌سایت و توسعه کسب و کارهای آنلاین هستند.

۶- **کارآفرینی:** این گرایش فرآیند ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید رو آموزش می‌دهد. هدف اصلی در این گرایش، شناسایی فرصت‌های کسب و کار، تدوین طرح کسب و کار و جذب سرمایه‌گذار است. مباحث مهمی که در این رشته مطرح می‌شوند شامل طرح کسب و کار، چگونگی جذب سرمایه، مدیریت رشد و نوآوری هستند. این رشته بیشتر برای افرادی مناسبه که مسیر سوم کسب و کار یعنی راه اندازی یک کسب و کار جدید رو انتخاب می‌کنند و می‌خواهند ایده‌هاشون رو به واقعیت تبدیل کنند.

گرایش‌های ارشد مدیریت صنعتی شامل:

- ۱- تولید و عملیات ۲- تحقیق در عملیات ۳- مدیریت عملکرد ۴- مدیریت زنجیره تأمین ۵- مدیریت کیفیت و بهره‌وری
- ۶- مدیریت پروژه

۱- تولید و عملیات: این

گرایش روی طراحی، برنامه‌ریزی، کنترل و بهبود سیستم‌های تولید و عملیات تمرکز دارد. دانشجویان در این گرایش با مفاهیمی مثل برنامه‌ریزی تولید، کنترل موجودی، طراحی خط تولید، مدیریت کیفیت و بهبود مستمر آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش، بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری است. زمینه‌های کاری این گرایش معمولاً مدیران تولید، برنامه‌ریزان تولید و مشاوران بهبود فرآیندها است.



۲- تحقیق در عملیات: تحقیق در عملیات، که عنوان یک درس مشترک بین مدیریت بازرگانی و صنعتی هست، شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی که از مدل‌های ریاضی برای حل مسائل پیچیده تصمیم‌گیری در سازمان‌ها استفاده می‌کند. در این گرایش، دانشجویان با روش‌های کمی مثل برنامه‌ریزی خطی و غیرخطی، شبیه‌سازی و تئوری صف آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش، یافتن بهترین راه حل برای مسائل پیچیده تصمیم‌گیری است. معمولاً فارغ التحصیلان این رشته در موقعیت تحلیلگر سیستم‌ها، مدل‌ساز، مشاور تصمیم‌گیری یا مدیر پروژه شروع به فعالیت می‌کنند.

۳- مدیریت عملکرد: این گرایش بر روی اندازه‌گیری و بهبود عملکرد سازمان‌ها تمرکز می‌کند. دانشجویان این گرایش با مفاهیمی مثل شاخص‌های عملکرد کلیدی (KPI)، کارت امتیازی متوازن (BSC)، مدیریت کیفیت جامع (TQM) و بهبود مستمر آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش، ایجاد سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد موثر و بهبود مستمر عملکرد سازمان است. مدیر عملکرد و مشاور بهبود عملکرد از موقعیت‌های شغلی مربوط به این گرایش است.

۴- مدیریت زنجیره تأمین: زنجیره تأمین به معنای مسیر طی شده از تولیدکننده و تأمین‌کننده اصلی تا مصرف‌کننده و مشتری است. به همین خاطر هم این گرایش روی مدیریت جریان کالاها، اطلاعات و جریان‌های مالی از تأمین‌کنندگان تا مشتریان نهایی تمرکز دارد. دانشجویان در این گرایش با مفاهیمی مثل برنامه‌ریزی زنجیره تأمین، مدیریت لجستیک، مدیریت موجودی، مدیریت حمل‌ونقل و مدیریت ریسک آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش، ایجاد زنجیره تأمین کارآمد و انعطاف‌پذیر است. دانشجویان این رشته بعد از اتمام تحصیل می‌توانند به عنوان مدیر زنجیره تأمین، مدیر لجستیک یا برنامه‌ریز توزیع فعالیت کنند.

۵- مدیریت کیفیت و بهره‌وری: کیفیت و کنترل کیفیت یک بخش فوق‌العاده مهم در فرایند تولید کالا است. این گرایش هم با توجه به همین موضوع روی بهبود کیفیت محصولات و خدمات و افزایش بهره‌وری سازمان‌ها تأکید می‌کند. دانشجویان در این گرایش با مفاهیمی مانند مدیریت کیفیت جامع، شش سیگما، کنترل آماری فرایندها (SPC) و بهبود مستمر آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش کاهش ضایعات، افزایش رضایت مشتری و بهبود بهره‌وری است. این گرایش برای موقعیت‌های شغلی مدیر کیفیت و مشاور کیفیت مناسب است.

۶- مدیریت پروژه: معمولاً هر سازمانی در دوره حیات خودش با انواع پروژه‌های مختلف روبرو است. در رشته مدیریت پروژه روی برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و تکمیل همین پروژه‌ها تمرکز می‌شود. دانشجویان این گرایش مدیریت پروژه با مفاهیمی مثل چرخه عمر پروژه، مدیریت ریسک، مدیریت زمان، مدیریت هزینه و مدیریت منابع انسانی آشنا می‌شوند. هدف اصلی این گرایش، اتمام موفق پروژه‌ها در چارچوب زمان و بودجه تعیین شده است. مدیر پروژه امروزه یک عنوان شغلی هست که در بسیاری از سازمان‌ها مقام مهمی تلقی می‌شود.

کاری مهم‌تر از درس خواندن نیست!

آموزش از طریق ارتقاء مهارت‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی باعث انباشته شدن سرمایه انسانی در فرد و جامعه می‌شه و دامنه آزادی فرد رو به وسیله افزایش توانمندی‌هاش توسعه می‌ده. یکی از پر ارزش‌ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار داره، دانشگاهه. از مهمترین تأثیرات دانشگاه روی فرد و جامعه ارتقاء فرهنگی و اجتماعی ناشی از آموزش هست. با وجود نقص‌ها و عیب‌هایی که نظام آموزش عالی در ایران داره، یکی از موثرترین سیستم‌های کشور بر پایه دانشه. همچنین همونطور که در اغلب درخواست‌های کاری مشاهده می‌کنید، بازار کار برای افراد با تحصیلات بالاتر، دستمزد بالاتری رو پیشنهاد می‌ده. اساسی‌ترین هدف از تحصیل در مقطع کارشناسی پایه‌گذاری دانش تخصصی هست. درک رویدادها و توانایی تجزیه و تحلیل اتفاقات مختلف با چارچوب‌های علمی و بیان و توصیف مسائل به شیوه صحیح و شفاف از جمله توانایی‌هایی هست که انتظار می‌ره در این مدت تحصیل خود به دست بیارید. هر چقدر بیشتر درس بخونید و زحمت بیشتری در فهم درست و عمیق درس‌ها انجام بدید، در دنیای کار دستاورد بزرگتری رو به دست میارید. درس خوندن و پشتکار در تحصیلات به ساخت شخصیت متعهد و سخت‌کوش کمک می‌کنه که در زندگی حرفه‌ای و شخصی بسیار مهمه است.



مدیریت، فراتر از یک عنوان یا یک شغل است؛ این
یک فلسفه زندگی است. این هنر، توانایی شما را در
هدایت خود و دیگران، در عبور از پیچ و خم‌های
زندگی، و در خلق آینده‌ای بهتر، تقویت می‌کند.



معاونت فرهنگی اجتماعی